



با بررسی تاریخ اقوام گذشته و دیگر پیامبران الهی که بخشی از آن در قرآن کریم آمده است، به خوبی می‌توان چهره شهرها را در تاریخ انبیا تبیین کرد. از مجموع آیات الهی در این کتاب چنین بر می‌آید که شهر اسلامی از تقدس خاصی برخوردار است و باید در جهت گسترش امنیت شهروندان آن از هر نظر کوشید. مقاله حاضر، بر آن است تا این نگاه خاص به شهر را با استفاده از آیات و دیگر منابع اسلامی بررسی کند. برای رسیدن به این مهم لازم بود تا مقوله شهر شناسی از جنبه‌های نظری و دیدگاه‌های مرتبط با آن مطالعه شود. در این میان ابن خلدون در اثر ارزشمند خود، مبحث ویژه‌ای در خصوص ریشه پیدایش شهر دارد که قابل توجه بوده و در عصر حاضر با گستره شهرنشینی و نیازهای متنوع شهروندان به نظر مهم می‌آید.

شهر اسلامی، اسلام و شهرنشینی، شهر امن، شهر در قرآن، شهرشناسی

با نگاهی به ادوار قدیم تاریخ و زندگی بدوی انسان اولیه، به خوبی در می‌یابیم که در سیر مکان‌های مختلف زیست محیطی یعنی از غار تا قصر، همواره عنصری به نام نیاز در رفتار او مشاهده می‌شده است. نیاز به امنیت، نیاز به مسکن، نیاز به غذا، نیاز به پوشاک و از همه مهم‌تر نیاز به زندگی اجتماعی را در خود احساس می‌کرده است.

انسان از بدو تولد به دنبال تأمین امنیت خود بوده است و این خواسته او بر سه رکن دسترسی به جان پناه، زندگی جمعی و آسایش استوار بوده است و بدین ترتیب برای خود مأن و فضایی با ویژگی بودن با دیگران احساس می‌نماید و به تجربه دریافته است که دست آوردن این امکانات با

سکونت در محل مطبوع و تأمین کننده ارکان امنیتی فوق میسر می‌گردد.

هرچند منشأ تفکر به سرپناه در آدمی کاملاً روشن نیست و گاهی در کاوش‌ها نتوانستند فرقی بین کاشانه آدمیان و آشیانه برخی حیوانات بیابند. اما در بررسی از آثار مربوط به «هوموسابین»‌ها می‌توان توانایی مردمان در ساخت مأمن را همراه با شناخت اشکال هندسی مقارن دانست. حتی در مورد «ثاندرتال‌ها» سال‌ها تصور می‌شد که در غارها زندگی می‌کرده‌اند لیکن اکنون متوجه ساختن سرپناه توسط خودشان شده‌اند.

تحقیقات پیازه (روانشناس فرانسوی) نشان می‌دهد که قدرت خلاقیت و ذکاوت بشر در محیط امن و ساکن بیشتر بروز پیدا می‌کند و بالعکس تحرک و عدم استقرار مکانی، بشر را به نوعی خودپسندی و توقف فکر خلاق دچار می‌نماید.

در یکی از خط‌های مصری مفهوم کلمه شهر به معنی مادر بوده است. در حقیقت شهر کار خود را با هدف بازسازی گیتی و به زمین آوردن کائنات آغاز نمود و بدین ترتیب به نمادی از آنچه امکان‌پذیر است بدل گردید. (مانفرد، ۱۹۶۱: ۲۹)

واژه «پولیس» در زبان یونانی جهت شهر به کار برده می‌شد که به معنای «ارک» یعنی حصار یا پیرامون هرگونه دژ طبیعی است و در حقیقت معنای پناه شهر یا محل تحصن به منظور اعطای امنیت یا به دست آوردن امکان آزادی می‌دهد.

واژه «مترو پولیس» یا کلان‌شهر در ادبیات سیاسی به «مادر شهر» ترجمه شده است. این واژه با کنایه برگرفته از نظریه وابستگی در توسعه که در دهه ۱۹۷۰ طرفداران زیادی داشت و با تصور اینکه شهرهای بزرگ اقماری دارند و این اقمار منابع را به سمت مادر شهر زهکشی می‌کنند و خود مادر شهر نیز قمری است برای یک مادر شهر جهانی، واژه مذکور مصطلح گردیده است. به عبارتی از آن راس سلسله مراتبی یک هرم از سکونت گاه‌های یک منطقه یا کشور مورد نظر است.

در واقع ساکنین شهرهای گذشته به یمن امنیت و سکون به ایجاد آبادی و توسعه آن پرداخته‌اند و به همین دلیل آثار باقی مانده از اینگونه شهرها برای ما پیام تفاهم و امنیت را به ارمغان می‌آورد و ساعت‌ها توجه ما را به خود جلب می‌نماید.

()

ابن خلدون منشأ بنیاد شهرها را خصوصیات تجمل‌خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت می‌داند.

در این مورد ابتدا نحوه زندگی با دیه نشینان را بررسی می‌کند و می‌گوید که بادیه نشینان گروهی هستند که به کارهای کشاورزی و دامپروری مشغولند و از آنجایی که برای پرورش حیوانات و گیاهان محتاج به چراگاهها و زمین‌های حاصل خیز هستند، بنابراین مجبورند که در دشت‌ها و صحراها زندگی کنند. در این شرایط، تعاون و همکاری آنها در راه به دست آوردن نیازمندی‌ها و وسایل زندگی از قبیل مواد غذایی، مسکن و سوخت، در حد نیاز است و در صدد تولید مقدار بیشتری بر نمی‌آیند، ولی با بهتر شدن وضع اقتصادی این طوایف، خواست‌های تجملی و غیر ضروری مورد توجه قرار می‌گیرد و در راه افزایش کمیت خوراک و پوشاک و کیفیت آنها می‌کوشند و در صدد توسعه خانه‌ها و بنیانگذاری شهرهای کوچک و بزرگ برمی‌آیند. از آنجایی که خواست‌های ضروری مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بنابراین، بادیه نشینی به منزله اصل و منشأ شهرهاست و مقدم بر شهرنشینی است.

ابن خلدون در مورد بنیاد شهرهای بزرگ و توسعه آنها می‌نویسد که چون شهرهای بزرگ دارای ساختمان‌ها و عمارت‌های بزرگ است، ایجاد آنها به نیروی انسانی زیاد و ثروت هنگفت نیاز دارد. بنابراین، فقط پادشاهان و دولت‌های مقتدر می‌توانند با اجیر کردن و یا به بردگی کشیدن جمعیتی که این امر از امور ضروری آنها نیست، اقدام به ایجاد چنین عمارت‌ها و شهرهای بزرگی کنند. بنابراین، ابن خلدون توسعه شهر را وابسته به دوام دولت وقت می‌داند و می‌گوید که هرگاه دولت وقت سقوط کند، توسعه شهر محدود می‌شود و گاهی آن شهر از بین می‌رود، مگر اینکه دولت جدید به آن شهر توجه کند. به طور کلی هر دولت جدیدی که قدرت را در دست بگیرد به دو دلیل محتاج به ایجاد شهرهای بزرگ است. اول، به دلیل همین خصلت تجمل پرستی و آسایش و رفاه انسانی و دوم، به دلیل مقابله با دشمن (ابن خلدون، ۱۳۵۳: ۷۵۰-۶۷۴)

با توجه به این مطالب، به نظر می‌رسد که ابن خلدون هم منشأ پیدایش شهرها را با نحوه زندگی اقتصادی بشر مربوط می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند و سپس با افزایش بازده تولیدی، به خواست‌های تجملی هم روی می‌آورد. به عبارت دیگر، شهر را محل طبقه حاکم می‌داند که برای ارضای نیازهای تجملی خود، از افراد دیگر جامعه استفاده می‌کند. البته باید توجه داشت که ابن خلدون منشأ پیدایش شهرها را تنها ناشی از عوامل اقتصادی نمی‌داند، بلکه معتقد است که در تشکیل بعضی از شهرها، مذهب نقش عمده‌ای داشته است؛ به عنوان مثال، شهر مذهبی مکه به امر خداوند و به وسیله ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است.

چیستی و چگونگی «شهر» و «شهر اسلامی» در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله‌داری است که نیازمند تعمق و تنوع و وسع در منابع ارائه‌کننده این آموزه هاست. قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است. شهر اسلامی چه خصوصیاتی دارد، آیا شهری است با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوائل اسلام و یا شهری است با انسان‌هایی موحد. هنوز تعریفی کامل از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است و لازم است که متفکران، علاقمندان و متخصصان واجد شرایط در تحکیم مبانی نظری و ارائه تعریفی جامع و مانع در این موضوع اهتمام ورزند.

بی‌تردید اصیل‌ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی قرآن کریم است؛ اقیانوسی که انسان‌ها در قرون و اعصار از برکات آن منتعم شده‌اند و در عین حال ضمن حفظ طراوت و تازگی، نقصانی در آن ایجاد نشده است.

واژه‌های «المدینه» ۱۴ مرتبه، «بلد» به سه صورت مجموعاً ۱۴ مرتبه و «البلاد» ۵ مرتبه در قرآن آمده‌اند، در بعضی از آیات، شهر خاصی مورد نظر بوده است (بیان اسم خاص)، در بعضی دیگر موضوع اصلی و پیام آیه به هیچ کدام از ویژگی‌های شهر ارتباط نیافته و تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم و با یکی از ویژگی‌های شهر و مراکز جمعیتی ارتباط دارند.

در خصوص حرمت و امنیت شهر در بیان قرآن، شهر می‌تواند مورد احترام واقع شود و خداوند متعال در دو نوبت به شهر سوگند یاد می‌کند:

سوره نمل آیه ۹۱: «به من فرمان داده شده که پروردگار این شهر را بپرستم. شهری که خداوندی و همه چیز از آن اوست، حرمتش نهاده و مأمورم که از مسلمانان باشم».

سوره بلد آیات ۱ و ۲: «قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای».

سوره تین آیه ۳: «و سوگند به این شهر ایمن».

در آیات فوق که در شهر مکه نازل شده است مشاهده می‌شود که یک شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند و می‌دانیم که شهر مکه از دیرباز مورد احترام بوده است، اما علاوه بر این سوگندها دو ویژگی نیز به تقدس آن افزوده است:

الف - سکونت پیامبر در مکه به این شهر تقدس می‌دهد.

شهری که در آن افراد برجسته، متقی و دانشمند زندگی می‌کنند، مقدس است حتی خاطرات، آثار و مقابر افراد برجسته نیز به شهر تقدس می‌دهد و این موضوع کم و بیش در اکثر نقاط دنیا مورد توجه بوده است.

ب - ویژگی امنیت شهر ذکر شده، از این جهت نیز به مکه تقدس داده شده است. همانطور که ذکر شد به ویژگی امنیت شهر، در چند مورد اشاره شده است که یکی از این موارد، سوگند به «شهر ایمن» بود که به آن اشاره گردید.

()

نفوذ اسلام به سرزمین‌های گوناگون در آسیا، آفریقا، و اروپا اثرات اجتناب‌ناپذیر و فراوانی بر توسعه شهر بر جای گذاشته است. آداب و رسوم مذهبی، باورها و ارزش‌های آن به ویژه آنجا که با سازمان و اقتدار ربط پیدا می‌کنند، بر گردهمایی اجتماعی تأکید کرده‌اند و با کوچ‌گری (خانه به دوشی) و پراکندگی مخالف هستند. شهرهای اولیه اسلامی از قبیل الفوستات، تونس و رباط در مغرب به منظور تعلیم و آموزش اسلام برپا شدند و نقش ارگ یا دژ ایمان را ایفا کردند. آنها متعهد به پذیرایی از نوکیشان (یا نوگرویده‌ها به دین اسلام) بودند، همانگونه که مدینه پذیرای مهاجران مکه بود. آنها را دارالهجره نامیدند، یعنی مکانی که مسلمانان به آنجا می‌آمدند تا زندگی اسلامی را در عمل پیاده کنند. از طریق آنها بود که اسلام تا آفریقای شمالی، کل قاره آفریقا و جنوب اروپا گسترش یافت و در نتیجه شماری از شهرهای پروتق، پدیدار شدند.

این نقش معتبر (مذهبی) کم‌کم با آمیزش انگیزه‌های سیاسی کمرنگ شده و امکان آن را داد تا بخش‌های گوناگون دنیای اسلام پیوند سنتی‌اش را با خلافت اصلی در شرق بگسلد و اختلافات و درگیری‌های محلی، در کنار افراد خانواده به دوش به فرایند افول یا زوال شهری بیانجامد.

تا زمان ورود عثمانیان در قرن شانزدهم ثبات دوباره برقرار نشد. عثمانیان در آرزوی احیای خلافت کهن و همچنین دفاع از ساحل غربی آفریقای شمالی در برابر اشغال پرتغال و اسپانیا توانستند اکثر جهان اسلام را به استثنای ایران، شبه جزیره عربستان و مراکش کنترل کنند. آنها صلح، امنیت و رفاه را که مؤلفه‌هایی اصلی رشد و بهبود شهری - را به همراه آوردند. یک بار دیگر شهرهای فراوان جدیدی پدید آمدند و سایر شهرها هم به نحوه قابل توجهی گسترش یافتند و عملاً در نتیجه تجارت عثمانیان رونق یافتند.

با استناد به متون تاریخی و با توجه به وضعیت جامع عثمانی، آرمان اسلامی با واقعیات اجتماعی و اقتصادی سازش یافت به طوری که از همان اوایل مسلمانان و غیر مسلمانان در نواحی تجاری، در

کنار یکدیگر کار می‌کردند و حتی در نواحی مسکونی به صورت آمیخته زندگی می‌کردند. غیر مسلمانان در معاملات تجاری میان خود به «قاضی» مراجعه می‌کردند و احساس «همشهری بودن» در آن پایتخت فارغ از تعصبات میهنی بر امتیازات مذهبی و تباری برتری داشت. در زمینه مقولات کالبدی شهر نیز فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه‌دار نمی‌ساختند و روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هرگونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت منتفی می‌گردید. شهر استانبول به عنوان نمونه‌ای از یک شهر اسلامی، در بردارنده تفکرات عمیق دین مبین اسلام بود و تأسیسات و امکانات به گونه‌ای ساماندهی شده بود که افراد نیازمند و فقیر جامعه نیز در درجه اول بتوانند نیازهای بنیادی خود را چون مسکن، کار، رفاه و فرهنگ در آن بازیابند و شهروندان به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی از محیط، با رعایت اصول پاکیزگی و بهداشت در تمامی فضاها به بهترین نحو زندگی کنند. نکته قابل توجه دیگر اولویت‌هایی بود که در تجلیات کالبدی شهر وجود داشت و براساس آن بناها و فضاهای اصلی شهر سازی اسلامی مانند مساجد، مدارس، مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها در جایگاه واقعی خود استقرار می‌یافتند.

با توجه به ویژگی‌های یاد شده که لازمه وجودی یک شهر موفق و سالم است، به نظر می‌رسد در حال حاضر با توسعه برون‌زای شهر استانبول که از اوایل قرن بیستم شروع شده است و تاکنون نیز ادامه دارد و همچنین با ورود فرهنگ غربی تأثیرپذیری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه غربی، استانبول به عنوان نماد شهر شرقی و اسلامی، یک بار دیگر در تقابل اجتناب‌ناپذیر با فرهنگ غرب قرار گرفته است. گویی در طول تاریخ سرنوشت این شهر در برخورد با دیدگاه‌های مدنیت شرق و غرب قرار گرفته است. بنابراین هرگونه تلاشی برای بازیافتن هویت اصیل اسلامی آن، ناگزیر توجه و بازنگری نکات و ویژگی‌های یاد شده است.

()

شماری از عوامل وجود دارند که در زمینه نظم و طرح ظاهر شهر اسلامی، نقش قاطعانه‌ای ایفا کردند. شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی‌های کالبدی، بازتاب دهنده ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی عام جامعه جدید التأسیس بود. به طور کلی این عوامل به شرح زیر است.

- -

نخستین اصل بازگو کننده ویژگی یا ماهیت شهر اسلامی همانا سازگاری یا تطابق طرح و شکل ساختمانی شهر با شرایط طبیعی اعم از موقعیت طبیعی (توپوگرافی) و شرایط آب و هوایی بوده است. استفاده از مفاهیمی چون حیات خلوت، تراس، خیابان‌هایی پوشیده باریک و باغ‌ها، بیانگر این شرایط بوده‌اند. این قبیل عناصر به منظور تطابق با شرایط آب و هوایی گرم حاکم بر محیط زندگی مسلمانان طراحی می‌شده‌اند.

- -

باورهای مذهبی کانون یا هسته اصلی زندگی فرهنگی مردم مسلمان را تشکیل می‌داده است، از این رو مسجد در سلسله مراتب نهادی و مکانی از جایگاه عمده و کانونی برخوردار بوده است باورهای فرهنگی تفکیک کننده زندگی خصوصی و عمومی به نظام مکان میان مصارف و مناطق نظم می‌بخشیده است.

در نتیجه، طرح شهری شامل خیابان‌های باریک و بن‌بست‌های جدا کننده قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر بوده و این در حالی است که مصرف زمین بر تفکیک یا جدایی زن از مرد تأکید داشته است. در نتیجه، هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سر و کار داشته باشد از کاربری (خانه‌های شخصی) مسکونی جدا بوده و بیشتر این قبیل فعالیت در مناطق عمومی خیابان‌های اصلی متمرکز بوده است.

- -

روابط اجتماعی و فیزیکی میان قلمروهای خصوصی و عمومی میان گروه‌های اجتماعی و محل‌ها، همچنین بازتاب دهنده قوانین شریعت (قانون اسلامی) بوده است. اصل حریم شخصی به قانون تبدیل شده که ارتفاع دیوار را بالاتر از ارتفاع فرد شتر سوار تعیین کرده است. این مورد و قوانین مربوط به حقوق مالکیت برای مثال، از جمله عوامل تعیین کننده شکل (یا فرم) شهر اسلامی بوده است.

- -

سازمان اجتماعی جامعه شهری براساس گروه‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خاستگاه‌های قومی و همخونی مشترک استوار بوده است. بنابراین توسعه در جهت برآورده ساختن این گونه نیازهای اجتماعی به ویژه اتحاد خویشاوندی، دفاع، نظم اجتماعی و اعمال مذهبی در حرکت بوده است.

عواملی چون ساختارهای خانواده گسترده، حریم شخصی، تفکیک جنسی و تعامل اجتماعی نیرومند به وضوح در شکل ساختمانی متراکم منازل حیاطدار متجلی و متبلور بوده است. مسائل اجتماعی و حقوقی تحت کنترل محققان و اندیشمندان مذهبی بوده که در مکانی نزدیک به مسجد اصلی (نهاد اجتماعی اصلی) و زندگی اجتماعی، جایی که اکثر مشاجرات در می گرفته، زندگی می کرده‌اند. تغییر قدرت سیاسی از نظام (دموکراتیک) شورایی اسلام آغازین به رژیم‌های خود کامه، به ویژه اواخر دوران عثمانیان، منجر به انتقال اماکن سیاسی از مرکز شهر به کناره شهر به شکل دژ یا (ارگ) شده است تا به این وسیله محافظت بهتری از حاکمان صورت پذیرد. نمونه‌هایی از این قبیل تدارکات را می‌توان در شهرهای آفریقای شمالی تحت نام کسبه یا قصبه یافت.

درباره اینکه چه چیزی یک شهر اسلامی است یا اینکه آیا شهر اسلامی تاکنون وجود داشته، هنوز مجادله‌های زیادی وجود دارد. لاپروس معتقد است: «مسلمانان عرب صرفاً در شهرهای جدید زندگی نمی‌کردند بلکه برخی در شهرها و دهکده‌ها سکنی گزیدند». او در ادامه افزوده است: «اعراب به شهرسازی در خاورمیانه تحرک بخشیدند، بدون آنکه باعث افزایش کلی در سطح توسعه شهری شوند و بدون آنکه به شهرها هویت اسلامی بدهند».

البته در بین محققانی همچون: حمدان (۱۹۶۲)، اکیلمن (۱۹۸۱)، حکیم (۱۸۷۶) و السید (۱۹۹۱)، نوعی اجماع کلی وجود دارد که شهر اسلامی دارای ویژگی‌های خاص زیر می‌باشد.

- -

که در قلب شهر واقع شده که معمولاً سوق (یا بازار) آن را احاطه کرده است، مسجد زیتونه در تونس و مسجد مرکزی در اصفهان از آن جمله‌اند. در اینجا نماز جمعه برپا می‌شده و مدرسه‌ای به آن چسبیده بوده که تعالیم علمی و مذهبی ارائه می‌داده است.

- - ()

در خارج از مسجد اصلی قرار داشتند و در آنجا فعالیت‌های اقتصادی در شهر عرضه می‌شده است. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیتی‌اشان صورت می‌گرفته است. اقلام مقدسی مانند شمع، بخور و عطر و اقلامی که توسط کتاب‌فروشان و صحافان به فروش می‌رسد، در نزدیکی مسجد قرار داشته‌اند و بقیه کالاها در فاصله دورتری قرار داشته‌اند. ناحیه مرکزی نیز محل تجمع سایر فعالیت‌های عمومی از قبیل فعالیت‌های اجتماعی، اداری، تجاری،

هنری و هنرهای دستی و حمام و هتل‌ها بوده است.

- -

که به قصبه مشهور است نمود حاکم است، قصبه که دور تا دور آن دیوار بود، مشتمل بر ناحیه‌ای بود که دارای مسجد، باغ‌ها، دفاتر ساکنان خودش بوده است و معمولاً در بخش بالایی شهر نزدیک به دیوار قرار داشته است.

- -

مجموعه‌ای از خانوارهایی وصف شده که کیفیت خاص زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار بوده که این امر در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک متجلی بوده است. این مناطق مسکونی عملاً متراکم بوده و هر کدام دارای مساجد (که از آن برای عبادت روزانه استفاده می‌شده) مدرسه، نانوايي، مغازه اشیا و لوازم ضروری مختص به خود را دارا بوده است. آنها هر کدام دروازه‌های خودشان را داشته‌اند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می‌شده‌اند. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه‌هایی بوده‌اند. این مناطق از لحاظ قومی سازمان یافته بوده‌اند. برخی مسلمانان نیز در مناطق مسکونی دیگر جمع شده بوده‌اند و هر گروه باورهای فرهنگی خودش را پیاده می‌کرده و برای آنها جشن می‌گرفته است.

ذکر این نکته ارزشمند است که گرچه عامل چند قومیتی از جنبه واقعی و فیزیکی در شکل گروهی متجلی بوده اما آنان از نظر اقتصادی و اجتماعی از یک نظام حقوقی پیشرفته برخوردار بوده و در هم ادغام شده بودند و از این طریق مساوات همه گروه‌ها تأمین می‌شده است. چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد، مگر به تقوا.

- -

پیوند میان این مناطق مسکونی و مکان اصلی از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ صورت می‌گرفته است. خیابان‌هایی که به خیابان‌ها و بن‌بست‌های شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شده است.

- -

دیوار مستحکمی با تعدادی دروازه، شهر را در بر می‌گرفته است.

- -

در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها (قبرستان‌های مسلمانان و یهودیان) وجود داشته است. یک

بازار هفتگی در خارج از دروازه اصلی وجود داشته است.

قرآن کریم در آیات مختلفی، ضمن توجه خاص به سکونت‌گاه‌ها و بخصوص بلاد و شهرها، با تقدیس از شهر مکه و نگاه ویژه به تمامی شهروندان آن اعم از مسلمان و کافر، شاخص‌هایی از زندگی مطلوب اقتصادی در یک شهر اسلامی را بر می‌شمارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- امنیت اجتماعی؛
- امنیت اقتصادی؛
- امنیت قانونی؛
- تابعیت از قانون؛
- امنیت دسترسی به ارزاق ارزان؛
- عدم تفاوت بین آحاد شهر در کسب معاش.

- -

امنیت از نیازهای اولیه جوامع بشری است و رشد و پیشرفت جوامع در سایه امنیت اجتماعی محقق می‌گردد. این مرتبه از اولین مراتب امنیت است. سوره ابراهیم آیه ۳۵: «و ابراهیم گفت ای پروردگار من، این شهر را ایمن گردان و مرا از پرستش بتها دور بدار».

سوره بقره آیه ۱۲۶: «و ابراهیم گفت ای پروردگار من، این شهر را جای امنی گردان و از مردمش آنان را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، از هر ثمره روزی ساز».

- -

در آیات فوق بلافاصله پس از امنیت، اعتقاد مردم شهر مطرح می‌شود. شهری امنیت دارد که عقاید مردم آن با شرک و بت پرستی تهدید نشود و آنان بتوانند موحد و خداشناس باشند. اگر یکتاپرستی را نیازی فطری برای انسان بدانیم، برای برآورده ساختن این نیاز، محیطی امن لازم است. این امنیت در مرتبه بالاتری از امنیت اجتماعی قرار دارد. در دنیای پیشرفته امروز، امنیت اعتقادی اساساً موضوعیت ندارد و شرایط ایجاد شده است که تهدید امنیت اعتقادی مردم، معنایی مترادف پیشرفت یافته است.

نکته مهم دیگری که دنیای امروز از آن نیز غفلت کرده است، کنش متقابل امنیت اعتقادی با امنیت اجتماعی است. اگر برای رشد و شکوفایی اقتصادی و علمی به امنیت اجتماعی نیاز داریم

و برای آن سرمایه‌گذاری می‌کنیم، نباید از امنیت اعتقادی مردم که تأثیر کاملاً متقابل و مستقیم در تأمین امنیت اجتماعی آنان دارد غفلت نمود. جهان پیشرفته امروز با امکانات فراوان، امنیت اعتقادی نوع بشر را در معرض خطر قرار داده است. در حالی که انتظار دارد به سرمایه‌گذاری روز افزون در تحقق امنیت اجتماعی موفق باشد.

- -

شهر ایمن شهری است که انسان در آن آرامش دارد و هر عاملی که آرامش انسان را تهدید کند، امنیت شهر را در معرض خطر قرار داده است.

شهر ایمن مقوله‌ای پیچیده و فراگیر است و بشر در قرن بیست و یکم تنها به جنبه‌هایی از آن به طور ناقص دست یافته است. شهر ایمن شهری است حرمت نهاده شده، شهری قانونمند که در آن امنیت اجتماعی، اعتقادی و روانی شهروندان و شرایط پیشرفت آنان فراهم شده است چنین شهری به قدری مقدس است که خداوند به آن سوگند یاد می‌کند.

شهر پاکیزه: در آیات قرآن برای شهر پاکیزه، واژه «بلدالطیب» و برای شهر آلوده، واژه «بلدالخبیث» و شهر مرده به کار رفته است. به چند آیه در این زمینه اشاره می‌کنیم:

سوره اعراف آیات ۵۷ و ۵۸: «و اوست که پیشاپیش رحمت خود، بادها را به بشارت می‌فرستد چون بادها، ابرهای گرانبار را بردارند، ما آن را به شهرهای مرده روان سازیم و از آن باران می‌فرستیم و به باران، هرگونه ثمره‌ای را می‌رویانیم شاید پند گیرید». «و شهر پاکیزه گیاهش به فرمان خدایش می‌روید و شهر پلید جز اندک گیاهی از آن پدید نمی‌آید. برای مردمی که سپاس می‌گویند آیات خدا را این چنین گونه‌گون بیان می‌کنیم».

سوره فاطر آیه ۹: «خداست که بادها را فرستاد تا ابرها برانگیزند و ما آنها را به شهرهای مرده می‌رانیم و زمین مرده را با آن زنده می‌کنیم. زنده گشتن در روز قیامت نیز چنین است».

سوره فرقان آیات ۴۸ و ۴۹: «اوست که پیش از رحمت خود، بادها را به مژده دادن فرستاد و از آن، آبی پاک نازل کردیم تا شهر مرده را بدان زندگی بخشیم و چهارپایان و مردمی را که آفریده‌ایم بدان سیراب کنیم».

سوره ق آیات ۹، ۱۰ و ۱۱: «و از آسمان آبی پربرکت فرستادیم و بدان باغ‌ها و دانه‌های دروشدنی رویانیدیم و نخل‌های بلند با خوشه‌های برهم چیده، تا رزق بندگان باشد و بدان آب، شهر مرده را زنده کردیم. بر آمدن از گور نیز چنین است».

از آیات فوق استفاده می‌شود که شهر مرده، شهری بی‌باران و بی‌ثمره است. در شهر پلید جز

اندک گیاهی نمی‌رود. با فراهم شدن سایر شرایط، در شهر پاکیزه است که گیاهان می‌رویند و مردم از محصولات آنها متنعم می‌شوند. اساساً در شهر پاکیزه است که بهره اقتصادی در آن متصور است و گرنه در شهر مرده نمی‌توان انتظار بهره اقتصادی مستمری داشت. این مفهوم شبیه مفهوم توسعه پایدار است که امروزه ساکنان زمین با روش آزمون و خطا به آن دست یافته‌اند.

آلودگی یک شهر صرفاً آلودگی محیطی نیست، بلکه می‌تواند آلودگی معنوی نیز باشد. آلودگی‌های معنوی مانند شرک و بت‌پرستی و دوری از اطاعت خداوند نیز می‌تواند اثرات مشابهی بر جای گذارد. در این زمینه، آیات زیر قابل تأمل است:

سوره سبا آیات ۱۵ و ۱۶: «مردم سبا را در مساکن شان عبرتی بود و بوستان داشتند یکی از جانب راست و یکی از جانب چپ، از آنچه پروردگارتان به شما روزی داده است بخورید و شکر او به جای آورید. شهری خوش و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده». «اعراض کردند، ما نیز سیل ویرانگر را بر آن فرستادیم و دو بوستان شان را به دو بوستان بدل کردیم با میوه‌ای تلخ و شوره‌گز و اندکی سدر».

بوستان‌های شهر پاکیزه با دوری مردمش از اطاعت خداوند، میوه تلخ ثمر می‌دهد و همان عاملی که باعث زنده شدن مرده شده بود (آب) این بار به عامل تلخی محصولات بدل می‌شود.

شهر اسلامی با ویژگی‌های فوق در ابعاد فیزیکی و طرح و مصارف، از نوعی منطق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبعیت داشته که این امر می‌تواند تجربه‌های آموزنده‌ای برای روش‌های نظام‌مندی و برنامه‌ریزی مدرن به شمار آید. شهر اسلامی را به سادگی می‌توان جرح و تعدیل داده تا با استانداردهای زندگی و قابلیت کارکردی مدرن تطابق پیدا کند و سازگاری بالای آن با محیط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی و طبیعی‌مان را حفظ کند. در این مورد شهر اسلامی هنوز نسبت به نیاز شهری امروزی در جامعه‌مان بسیار مرتبط و معتبر به نظر می‌رسد.

شهرهای اسلامی تا چه اندازه‌ای نشاط و تفاهم شهر اسلامی سنتی را بازتاب می‌دهند؟ فقدان هرگونه همبستگی میان اصول طراحی اسلامی که رئوس کلی آن در بالا ذکر شد و ویژگی‌های کالبدی شهرهای مدرن اسلامی می‌تواند دلیل اصلی در پس بحران هویتی، اجتماعی و اقتصادی جوامع شهری باشد. این بحران در هیچ‌کجا بهتر از شهرهای مغرب به ویژه در الجزایر به نمایش گذاشته نمی‌شود، جایی که مجادلات هویتی و فرهنگی به چنان نقطه بحرانی رسیده که امنیت و

آرامش آنجا را تحت الشعاع خود قرار داده است. اکنون نیاز مبرمی برای کاربرد این اصول، البته به شیوه مدرن برای بازگرداندن شهرهایمان به زندگی اسلامی داریم.

اینکه چه تدابیری باید برای اصلاح سیستم موجود اندیشید به نحوی که بتوان نظام شهری را با توفیقات بیشتری قرین ساخت، به تنهایی دارای موضوعیت است و بلکه از ضروریات است، اما اکنون سؤال اینجاست که ویژگی‌هایی نظیر آنچه برای شهر اسلامی ذکر شد تا چه اندازه در نظام شهری ما موضوعیت دارد؟ به چه درجه‌ای از مهارت دست یافته‌ایم تا بتوانیم مفاهیمی مانند حرمت، امنیت اجتماعی، امنیت اعتقادی، امنیت روانی و پاکیزگی شهر را به زبان شهرسازی ترجمه کنیم و آنها را در طرح‌های خود متبلور نماییم و اگر با مطالعه، تمرین، تلاش و حمایت، توفیقاتی در زمینه طراحی متناسب، موزون و یکپارچه پدیده‌ای به نام شهر حاصل شد، این ویژگی‌ها چگونه در فرآیند رشد آن حفظ خواهند شد و سیر تکاملی را طی خواهند نمود؟ نکات و موضوعات یاد شده، اموری نیستند که پاسخ آنها را متخصصان و شهرسازان دیگر کشورها بدهند. ما هنوز پای در این راه طولانی ننهاده‌ایم و ضرورت آن را به هیچ وجه نمی‌توان انکار کرد.

- ابراهیمی، محمد حسن (۱۳۷۵)، «مدخل بحث درباره شهرهای اسلامی» در ، سال ۶ ، شماره ۲۲.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۳)، ، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسکندری، حسین (۱۳۸۱)، ، تهران: انتشارات سروش.
- صدر ، ابوالقاسم (۱۳۶۹)، ، تهران: انتشارات بهارستان.
- عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۱)، ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عبداللهی، مجید (۱۳۸۲)، ، تهران: نشر سازمان شهرهای کشور.
- فیسجل، «درآمدی بر شهر اسلامی» در ، مترجم دکتر رابعه سهود، شماره ۳۵ و ۳۶، اداره کل روابط عمومی شهرداری تهران.
- ک. آندرانویچ و ک. ریوسا (۱۳۷۱)، ، ترجمه سید محمود نجاتی حسینی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور.
- کراسبی، نیکلاس آبر و هیل، استفان (۱۳۷۵)، ، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، ، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۹)، ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Lewis Mumford, *The City in History, its Origins, its Transformation and its Prospect*. London.